



جمهوری اسلامی ایران

مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

# سیاست تبدیل روستا به شهر؛ نگاه شهر گرایانه به توسعه سرزمینی (آسیب‌ها و راهکارهای برون‌رفت)

**سمیه عزیزی**

**دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران**

**چکیده**

تحقیق پیش رو به دنبال تحلیل زمینه‌های شکل‌گیری تبدیل روستا به شهر از طریق نظریه‌های مرتبط با توسعه روستایی است تا سازمان‌یابی فضایی مناسب نواحی روستایی ایران را پیشنهاد کند. در این راستا داده‌ها در چارچوب رویکرد تأویل‌گرایی از طریق مطالعات اسنادی–کتابخانه‌ای و فیش‌برداری گردآوری شده است. طبق نتایج بررسی و مطالعه سیر تطور، تکوین و تکامل نظریه‌های سازمان‌یابی فضایی نشان می‌دهد که عمده این‌گونه نظریه‌ها شهر محور بوده و رشد و توسعه شهری را مبنا قرار می‌دهند. استیلای الگوهای توسعه فضایی غیربومی نقش بارزی در شکل‌گیری سیاست تبدیل روستا به شهر دارد. چرا که اصولاً سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجرایی دولت در چارچوب دیدگاه‌ها و الگوهای توسعه وارداتی و تقلیدی است. درواقع رویکرد موجود در تبدیل یک سکونتگاه روستایی به شهر در ایران، حاکی از نبود سازمان فضایی مشخص و مناسب برای هر ناحیه روستایی است. یکسان شمردن ویژگی‌های شهر و روستا و پیچیدن نسخه‌ای یکسان برای آن دو فاقد نگاه علمی است و احتمالاً منتج به نتیجه نگردد. تقلید در الگوهای توسعه روستایی بدون آنکه هماهنگی آن با شرایط داخلی مدنظر باشد، دشوار بوده و یا در صورت اجرا نتایج پیش‌بینی نشده‌ای را به دنبال دارد. ولی این به آن معنی نیست که هیچ کشوری نتواند از سیاست‌های کشورهای دیگر اقتباس کند، بلکه الگوبرداری از کشوری که ویژگی‌های مشابه دارد و یا استفاده از الگوهای متفاوت و اصلاح آن، می‌تواند با موفقیت همراه باشد. این برنامه‌ها باید انعطاف‌پذیر باشد تا بتوان آن‌ها را اصلاح کرد یا کنار نهاد. واژه‌های کلیدی: تبدیل روستا به شهر، سازمان‌یابی فضایی، شهر گرایی، الگوهای توسعه روستایی.

**مقدمه**

در قرن بیست و یکم، جمعیت شهرنشین دنیا بر جمعیت روستانشین آن پیشی گرفته و احتمالاً با سرعت زیاد افزایش پیدا خواهد کرد. شکی هم نیست که جمعیت کشور ایران به تبعیت از روندهای جهانی، به نحو روزافزونی به سمت شهر گزایی برود و این فرایند آشکارا به تحولات سکونتگاهی و شکل‌گیری نوسپرها و گسترش شهرهای موجود بیانجامد. در اغلب کشورهای در حال توسعه یکی از مهم‌ترین راهبردها برای کاهش نابرابری منطقه‌ای تبدیل روستا به شهر و تقویت آن‌ها بوده است. آنچه که در این میان به صورت مسئله بروز یافته و بی شک در صورت ادامه روندها به شکل کنونی، در آینده‌ای نه چندان دور به صورت بحران جلوه‌گر خواهد شد، رشد و گسترش خود به خودی شهرهای کوچک و بزرگ، علیرغم وجود مطالعات و طرح‌های مختلف شهری و روستایی است. متأسفانه در خلأ رویکردهای مناسب و درخور به ضرورت توسعه روستایی (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۱۲)، در ادبیات توسعه روستایی برای ارتقای موقعیت سیاسی روستاها و تبدیل آن‌ها به شهر از سوی متولیان توسعه، رویکردهای مختلفی مطرح است. از جمله رویکردهای مرتبط می‌توان به نظریه مکان مرکزی، مدل قطب رشد، رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی، رویکرد توسعه آگروپلیتن و … اشاره نمود. برخی از این نظریه‌ها، از نظر اجرایی با وجود پیامدهای نامطلوب فضایی-مکانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هنوز مورد توجه هستند. گام نهادن در توسعه و توسعه روستایی بدون در دست داشتن دیدگاه نظری و طرح نظریه یا نظریه‌های متناسب با شرایط جامعه راه به‌جایی نمی‌برد و اگرچه ممکن است نتایجی را به همراه داشته باشد، اما تضمینی برای پایداری و فراگیر بودن آن وجود ندارد. بر مبنای نظریه یا نظریاتی است که می‌توان اقدامات عملی را طرح‌ریزی کرد که خود نیازمند مدیریتی نیرومند است تا بتواند برنامه‌ها را هماهنگ و بی وقفه تا دست‌یابی به اهداف مورد نظر پیش ببرد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۵۴). نتایج حاصله از بررسی و واکاوی پیشینه موضوع در پایگاه‌های علمی (فارسی و انگلیسی) حاکی از آن است تحقیق و مطالعه جامعی که در عرصه ادبیات داخلی و خارجی به طور مستقیم با تحقیق حاضر مرتبط باشد، یافت نگردید و در دسترس نگارنده قرار نداشت. چنین نارسایی‌هایی حلقه مفقوده این مطالعات هستند. از این منظر تحقیق پیش رو با ارائه رویکردی جامع و یکپارچه به دنبال بررسی ویژگی‌های عمومی آن دسته از نظریات و دیدگاه‌های مرتبط با توسعه روستایی است تا بتوان به کمک آن‌ها، زمینه‌های شکل‌گیری تبدیل روستا به شهر را تحلیل نمود. در راستای هدف مذکور تحقیق حاضر در صدد است تا به سوآلات ذیل پاسخ دهد:

۱. نظریه‌ها و رویکردهای مطرح و مؤثر در تبدیل روستا به شهر کدامند؟

۲. با توجه به نظریه‌ها و رویکردهای مطرح، کدام‌یک از این نظریه‌ها برای سازمان‌یابی فضایی نواحی روستایی ایران مناسب‌اند؟

**روش تحقیق**

تحقیق حاضر بنا بر ماهیت از نوع تحقیقات توصیفی– تحلیلی است. این پژوهش از یک‌سو با بررسی نظریه‌های مرتبط با موضوع، تلاش دارد تا به شناخت رویکردهای مطرح و مؤثر در تبدیل روستا به شهر بپردازد و از سویی دیگر با توجه به نظریه‌ها و رویکردهای مطرح سازمان‌یابی فضایی مناسب نواحی روستایی ایران را پیشنهاد کند. در این راستا داده‌ها در چارچوب رویکرد تأویل‌گرایی از طریق مطالعات اسنادی–کتابخانه‌ای و فیش‌برداری گردآوری شده است.

**نتایج و بحث**

در جدول شماره (۱)، رویکردها و شالوده‌های نظری مؤثر در تبدیل روستا به شهر بیان شده است. بررسی و مطالعه سیر تطور، تکوین و تکامل نظریه‌ها نشان می‌دهد عمده این‌گونه نظریه‌ها شهر محور بوده و رشد و توسعه شهری را مبنا قرار می‌دهند و این‌گونه استدلال گردیده که با استقرار فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در شهرها، در گذر زمان منافع حاصل از رشد و توسعه به سطوح پایین‌تر نشت کرده و در این رابطه به تبع رشد شهرها، روستاها نیز رشد خواهند کرد.

نظریه	صاحب‌نظر	ارتباط نظریه با تبدیل روستا به شهر
مکان مرکزی	کریستالر	شهرهای تبدیلی به عنوان مرکز ارائه خدمات به روستاهای پیرامونی
قطب رشد	برد	تمرکز امکانات در یک نقطه (شهر) و پراکنش یا رخنه منافع حاصل از آن به پایین (نواحی روستایی)
توسعه آگروپلیتن	فریدمن و فاکلاس	رشد اقتصادی، صنعتی شدن و تحقق آن در چند مرکز بزرگ شهری. قطب رشد و راهبرد تعد فضایی توسعه در سه سطح ملی، منطقه‌ای و شهری
کارکرد شهری در توسعه روستایی	راندیبنی	استقرار خدمات شهری در مراکز روستایی و توسعه عرصه‌های روستایی با تقویت شهرهای کوچک و میانی
مرکز-پیرامون	فریدمن	تمرکز امکانات و انتقال مزایا از مرکز به پیرامون در فضای توسعه
شهرهای میانی	راندیبنی	توجه به شهرهای میانی زمینساز توسعه به شهرهای کوچک
شهرهای کوچک	جاسون	توسعه سکونتگاه‌های کوچک شهری از طریق تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک
نوسازی مراکز رشد	آیزنشتات	اشاعه ارزش‌های مدرن و توسعه‌ای از شهرها به روستاها
رشد اقتصادی	میسرا	تأکید بر توسعه روستایی متکی بر بنیان قوی صنعتی در مراکز (قطب) رشد روستایی
سراسرپداری پهرمیزی	تودارو	تأکید بر مراکز شهری و مراکز توسعه روستایی بر مبنای توسعه شهرهای کوچک و دیگر مراکز در سطح پایین سلسله‌مراتب سکونتگاهی
دوگانه‌ی	بوئک	تسلط اقتصادی و اجتماعی شهر بر روستا به وسیله مالکان بزرگ ساکن شهر
	بوکوه	پیدایش توسعه از طریق انباشت سرمایه در بخش مدرن (شهر) به واسطه جذب نیروی انسانی مورد نیاز صنعت از بخش سنتنی یا کشاورزی (روستا)

مآخذ: شکوئی، ۱۳۹۹؛ افراخته، ۱۳۹۹؛ سعیدی، ۱۳۹۸؛ پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۴؛ آسایش، ۱۳۹۳؛ ازکیا، ۱۳۹۱؛ رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸؛ افتخاری و موحد، ۱۳۷۳؛ اجلالی، ۱۳۷۳.

نظریات و راهبردهای توسعه سکونتگاهی در بسترهای مختلف جغرافیایی و اقتصادی و نیز فرهنگ‌های مختلف، به صور گوناگونی طرح شده‌اند. درواقع چنین دیدگاهی‌بر اساس تجربه کشورهای صنعتی غربی شکل گرفته است و الگوی توسعه مورد تقلید کشورهای در حال توسعه شده است. در تمامی نظریه‌ها، عملاً بخش روستایی از نظر ایجاد فرایند رشد، به‌عنوان بخش سنتی و ناکارآمد در حاشیه قرار گرفت و کم اهمیت به شمار آمد. سیاست‌گذاری‌های دولتی و راهبردهای اجرا شده در قالب برنامه‌های توسعه‌ای کشور، منجر به سازمان‌یابی دوگانه‌ای از فضاها شامل مراکز (قطب‌های شهری بزرگ) و پیرامون (شهرهای میانی، کوچک و حوزه‌های روستایی) گردیده است. این نوع از سازمان‌یابی در فضا (چه روستا و چه شهر) را می‌توان در چارچوب رویکردهایی مانند قطب رشد، مکان مرکزی، مرکز-پیرامون، توسعه آگروپلیتن، کارکردهای شهری و توسعه روستایی و سایر رویکردهای بیان شده، جست‌وجو کرد. رویکرد برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب و برنامه‌های توسعه کشور بعد از انقلاب عمدتاً بر افزایش رشد اقتصادی، صنعتی شدن و توسعه شهری تأکید داشته است (معیدفر و اکبری، ۱۳۸۶: ۸۴).

# سیر و مبنی‌کنش سراسر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

# چالش‌ها و راهکارهای تحول‌کشور براساس سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

**پیشنهادها**

امروزه آنچه که شاهد آن هستیم عدم تعادل و توازن فضایی است. متأسفانه سکونتگاه‌های کوچک‌تر (روستایی و روستا–شهری) از لحاظ رشد و گسترش از سکونتگاه‌های بزرگ‌تر الگوبرداری و تبعیت می‌کنند. این خود در حالی است که الگوی رشد و توسعه شهرهای کشور قاعدتاً نه تنها الگویی مناسب به حساب نمی‌آید، بلکه مهم‌تر از آن الگویی نیست که بتواند راهنمای رشد و توسعه بعدی سکونتگاه‌های روستایی در کشور به شمار رود (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۱۳). آنچه که در کشور ایران اتفاق می‌افتد، انتقال مداوم ارزش‌افزوده تولیدی روستا به شهر و بازگشت بسیار نازل و یا هیچ آن به روستاست که نمی‌تواند موجب ارتقای سطح تولید روستایی شود. شهر جزیره‌ای تصور شده است که می‌تواند بدون توجه به پیرامون خود توسعه یابد و این توصیه میسرا نادیده گرفته شده که در چنین شرایطی هم مراکز شهری در اثر ازدیاد تراکم و هم سکونتگاه‌های روستایی در اثر فراموش‌شدگی فرو می‌پاشند (افراخته، ۱۳۹۹: ۹۸). درواقع توسعه شهری بدون توسعه روستایی ممکن نیست (تاوانزلی، ۱۹۹۶: ۱۵)؛ زیرا تعامل موجود بین این دو مانع از تحقق توسعه در هر یک به تنهایی خواهد شد. اصولاً در راهبرد قطب رشد، توسعه روستایی به معنی واقعی کلمه فراموش می‌شود؛ زیرا راهبرد قطب رشد یک راهبرد توسعه از بالاست و این برای توسعه روستایی که نیاز به راهبرد توسعه از پایین دارد، به ویژه در کشورهای جهان سوم کارساز نیست؛ همان‌طور که مصداق‌های تجربی در کشورهای جهان سوم به خوبی ناتوانی این تئوری را در عمل نشان داد. هنوز ۳۰ درصد جمعیت کشور در نقاط روستایی زندگی می‌کنند که بی‌شک شرایط و بسترهای اقتصادی و اجتماعی متفاوتی با شهر دارند و مطالعات جداگانه و علمی خاص خود را می‌طلبد. یکسان شمردن ویژگی‌های شهر و روستا و پیچیدن نسخه‌ای یکسان برای آن دو فاقد نگاه علمی است و احتمالاً منتج به نتیجه نگردد. حقیقت این است که معیارهای تبدیل روستا به شهر بیشتر مواقع فاقد پشتوانه علمی بوده و در قالب رقابت با دیگر روستاهای محلی و بدون توجه کامل به ابعاد متنوع، خصائص و ویژگی‌های این‌گونه از سکونتگاه‌ها صورت می‌گیرد. تقلید در الگوهای توسعه روستایی بدون آنکه هماهنگی آن با شرایط داخلی مدنظر باشد، دشوار بوده و یا در صورت اجرا نتایج پیش‌بینی نشده‌ای را به دنبال دارد. ولی این به آن معنی نیست که هیچ کشوری نتواند از سیاست‌های کشورهای دیگر اقتباس کند، بلکه الگوبرداری از کشوری که ویژگی‌های مشابه دارد و یا استفاده از الگوهای متفاوت و اصلاح آن، می‌تواند با موفقیت همراه باشد. این برنامه‌ها باید انعطاف‌پذیر باشد تا بتوان آن‌ها را اصلاح کرد یا کنار نهاد. درواقع هر کدام از مدل‌ها مانند قطب رشد، مکان مرکزی، مرکز-پیرامون، توسعه آگروپلیتن، کارکردهای شهری و توسعه روستایی و … دارای مزایا و معایبی هستند و بایستی این مدل‌ها با توجه به شرایط و الزامات حاکم بر سکونتگاه‌ها (چه شهری و چه روستایی) مورد ارزیابی قرار گرفته، بومی‌سازی شوند و سپس آن‌ها را مبنای برنامه‌ریزی خود قرار دهیم. این رویکردها و نظریه‌ها به ما در نحوه طراحی سازمان فضایی (اینکه هر سکونتگاهی بایستی از چه نقش و جایگاهی برخوردار باشد و روابطش با سایر سکونتگاه‌ها چگونه باشد) کمک می‌کند. مثلاً زمانی که بخواهیم از نظریه مکان مرکزی استفاده کنیم به ما یک مدل ذهنی می‌دهد. در کنار این مدل ذهنی ما یک الگوی فضایی وضع موجود از منطقه را نیز داریم که با کنار هم گذاشتن مدل ذهنی و وضع موجود بر اساس الزامات و شرایط به الگوی تطبیقی یا برنامه‌ریزی شده متناسب با هر ناحیه روستایی خواهیم رسید. در مورد استراتژی تبدیل نواحی روستایی به شهر، ضمن بازنگری در تعاریف مربوط به شهر و روستا، به کارگیری روش یا روش‌هایی به منظور شناخت سکونتگاه‌های برخوردار از قابلیت شهر شدن، تدوین معیارها و ملاک‌های عینی و ملموس به منظور تبدیل روستا به شهر، بایستی معیارها و ملاک‌هایی نیز منطبق با ویژگی‌ها و شرایط مناطق مختلف کشور تدوین و ارائه نمود تا در سکونتگاه‌های مساعد و برخوردار از پتانسیل‌های لازم، زیرساخت‌ها و امکانات مورد نیاز تبدیل به شهر با استفاده از مشارکت ساکنین ایجاد شود. متناسب با مباحث مطرح شده می‌توان به منظور حذف نگاه شهرگرایی و استقلال و تقویت روستاها، راهکارهای پیشنهادی ذیل را ارائه داد:

- ترویج کشاورزی پایدار و توسعه فعالیت‌های صنعتی در روستاها؛
- ارتقاء زیرساخت‌های روستایی از جمله ارتباطات، آب، برق و حمل و نقل؛
- ایجاد شبکه‌های همکاری بین روستاها و شهرها برای تبادل دانش و منابع؛
- تشویق به ایجاد کسب و کارهای محلی در روستاها به منظور افزایش اشتغال و توسعه اقتصادی؛
- بازنگری در تعاریف مربوط به شهر و روستا در خصوص استراتژی تبدیل نواحی روستایی به شهر؛
- توسعه آموزش و پژوهش در حوزه‌های کشاورزی و صنعت برای تقویت زیرساخت‌های علمی و فنی در روستاها؛
- توسعه الگوهای مناسب توسعه منطقه‌ای و استفاده از الگوی اسلامی–ایرانی برای تقویت پیوندهای روستایی–شهری؛
- بومی‌سازی مدل‌ها و نظریه‌های توسعه با توجه به شرایط و الزامات حاکم بر سکونتگاه‌ها (چه شهری و چه روستایی).

**منابع**

اجلالی، پرویز. (۱۳۷۳). تحلیل منطقه‌ای و سطح‌بندی سکونتگاه‌ها. چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
ازکیا، مصطفی. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی. ویرایش دوم، چاپ ششم، تهران: انتشارات اطلاعات.
افتخاری، عبدالرضا و موحد، علی. (۱۳۷۷). عملکردهای شهری و توسعه روستایی از دیدگاه یوفرد (مورد: بخش زواره). فصلنامه مدرس علوم انسانی، سال ۸، شماره ۸، صص ۸۴–۶۴.
افراخته، حسن. (۱۳۹۹). بایسته‌های ساختاری توسعه در نواحی روستایی ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات قومس.
انتظاری، بهزاد. (۱۳۶۶). تحلیل ساختاری–کارکردی روستاهای تبدیل شده به شهر در انتظام بخشی به شبکه شهری (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های روستایی استان آذربایجان شرقی). رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، استاد راهنما: دکتر مصطفی طالشی، دانشگاه پیام نور واحد تهران.
ایزدی خرامه، حسن. (۱۳۸۰). تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی مورد مطالعه: استان فارس. رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
آسایش، حسین. (۱۳۹۳). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمد امیر. (۱۳۹۴). نظریه‌های توسعه روستایی. چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
پوردیان، حورماه. (۱۳۹۷). پیامدهای اقتصادی–اجتماعی تبدیل روستا به شهر در ایران. دومین همایش ملی چشم‌انداز توسعه پایدار روستایی ایران، دانشگاه خوارزمی تهران، ۲۸ بهمن‌ماه.

حاجی پور، خلیل و زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۸). بررسی تحلیل و ارائه عاملی برای نظام شهری استان خوزستان. فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
دربان آستانه، علیرضا و محمودی، منیژه. (۱۳۹۵). ارزیابی کیفیت زندگی در روستا–شهرهای جدید مطالعه موردی: شهر بانوه. فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره ۱۴، شماره ۴۲، صص ۲۱۸–۱۹۹.

رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین و احمدی، فاطمه. (۱۳۸۹). ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان). فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال ۱، شماره ۱، صص ۶۵–۳۳.
سعیدی، عباس و حسینی حاصل، صدیقه. (۱۳۸۸). شالوده مکان‌یابی و استقرار روستاهای جدید. چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
سعیدی، عباس. (۱۳۸۵). روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی–شهری یک بررسی ادراکی. فصلنامه جغرافیا، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۸–۱.
سعیدی، عباس. (۱۳۹۸). مبانی جغرافیای روستایی. چاپ هفدهم، تهران: انتشارات سمت.

شکوئی، حسین. (۱۳۹۹). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. جلد اول، چاپ بیستم، تهران: انتشارات سمت.

صدی لگرنی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل فرایند تبدیل روستاها به شهر، چالش‌ها و پیامدها (نمونه موردی: شهر هجیرود). اولین کنفرانس بین‌المللی علوم جغرافیایی، موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی شیراز، ۱۵ مردادماه.

عزیزی، محمدمهدی، زبردست، اسفندیار و بزنافر، مهدی. (۱۳۹۷). تحلیلی بر عوامل و اثرات تبدیل روستا به شهر بر نظام شهری استان گیلان (۱۳۹۵–۱۳۳۵). فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۲۱۷–۱۸۷.

فراهانی، حسین، بهمنی، افشین و جبالی، فرزانه. (۱۳۹۵). تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر و اثرات آن بر کیفیت زندگی شهروندان (مطالعه موردی: شهر بلبان آباد شهرستان دهگلان). فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۶، شماره ۲۲.

فنی، زهره و شفیعی زاده کرده کوهی، زهرا. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر در فرایند تبدیل روستا به شهر (مطالعه موردی: باقر شهر). فصلنامه جغرافیا. شماره ۲۴، صص ۹۲–۷۵.

مطیعی لنگرودی، سید حسن، فرجی سبکبار، حسنعلی و بهنام زاده، الهام. (۱۳۹۵). تحلیل اثرات اقتصادی تبدیل روستاها به شهر مورد: شهر محمودآباد در استان آذربایجان غربی.

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۵، شماره ۳.

معیدفر، سعید و اکبری، صادق. (۱۳۸۶). مناسبات روستا با شهر و اثرات توسعه‌ای آن (مطالعه موردی: شهرستان ساوجبلاغ). فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۶، شماره ۸، صص ۹۶–۷۵.

نوروزی، مصطفی و زرین جویی، سکینه. (۱۳۹۱). تبدیل روستا به شهر و نقش آن در رضایتمندی از کیفیت محیط (مطالعه موردی: شهر حسینیه در استان خوزستان). چهارمین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، تالار اندیشمندان علوم انسانی، ۱۹ اردیبهشت‌ماه.

Townstey, P. (1996). Rapid Rural Apprasial, Participatory Rural Apprasial and Aquaculture, Food and Agricultural Organization of the United Nations, Viterbo. Italy, 358 p.

۱۷